



پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

عنوان :

نهادینه سازی صلح پس از مناقشه ،

رویکرد سازمان ملل در برقراری صلح پایدار

نام مؤلف:

لیلا لولاچی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر همایون حبیبی

تابستان ۱۳۸۹

دانشگاه پیام نور

گروه حقوق

موضوع پایان نامه :

نهادینه سازی صلح پس از مناقشه ،

رویکرد سازمان ملل در برقراری صلح پایدار

برای دریافت درجه:

کارشناسی ارشد در رشته حقوق بین الملل

نام مولف :

لیلا لولاچی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر همایون حبیبی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر علیرضا حجت زاده

تابستان ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

بیش از نیمی از کشور های درگیر مناقشه در فاصله کوتاهی پس از صلح مجدداً به مناقشه و خشونت باز می گردند. سازمان ملل برای اینکه بهتر بتواند دولت های درگیر مناقشه را از جنگ به سوی صلح رهنمود نماید مبادرت به ایجاد یک نهاد نموده که کمیسیون برقراری صلح نام دارد و زیر مجموعه شورای امنیت می باشد و به ارکان میان دولتی در نهادینه سازی صلح کمک می نماید همچنین این نهاد گام هایی را در زمینه هماهنگی بین نیرو ها و ابزار های بالقوه موجود برای برقراری و حفظ صلح ارائه می نماید.

کمیسیون برقراری صلح در این موارد نقش ویژه ای ایفاء می نماید:

1-گرد هم آوری کلیه عوامل کمک به تأمین اعتبار منابع مالی ، هماهنگ و همگام نمودن

فعالیت های صندوق های مالی، برنامه ها و کارگزاری های سازمان ملل پس از مناقشه

2-هماهنگی عوامل و منابع

3-ارائه توصیه هایی با هدف ایجاد استراتژی های هماهنگ برای برقراری صلح و بازسازی پس

از جنگ

کلمات کلیدی: صلح ، برقراری صلح ، نهادینه سازی صلح ، سازمان ملل ، مناقشه

پیشگفتار

تاریخ نشان داده است جامعه بشری همواره به دلیل سودجویی های عده ای و یا تعارض منافع دو گروه درگیر خشونت می گردد که آتش آن محدود نشده و به دامان بسیاری از افراد بی گناه نیز سرایت می کند.

لذا جامعه بین الملل همواره به به دنبال تحدید و اطفای دامنه آتش این اختلافات است در این پایان نامه تلاش شده است به بررسی و ارائه راهکار هایی پرداخته شود که در تسهیل راه نیل به نهادینه سازی صلح موثر می باشد چرا که صلح و امنیت از اساسی ترین شروط نیل به فضائی است که بشریت تحت لوای آن به کرامت انسانی مطلوب دست می یازد.

ضمن تشکر فراوان از استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر حبیبی که صبورانه وقت زیادی را صرف ارائه طریق به این حقیر کردند از این بابت شرمنده ایشان هستم و استاد مشاور محترم، جناب آقای دکتر حجت زاده که تشویق هایشان برای من امید بخش بوده است، این پایان نامه را به مادر، پدر و همسر عزیزم تقدیم می نمایم که همواره یاریگر و مشوق من در امر تحصیل بوده اند.

1.....	مقدمه
6.....	بخش اول : کلیات
6.....	فصل اول - تعاریف
6.....	گفتار اول - نگاهی به تاریخچه مفهوم صلح
8.....	گفتار دوم - مفهوم صلح
10.....	گفتار سوم - صلح جهانی
10.....	مبحث اول - صلح جهانی در روابط بین الملل
12.....	مبحث دوم - صلح جهانی و سازمان ملل متحد
14.....	گفتار چهارم - توسل به عملیات حفظ صلح
18.....	گفتار پنجم - نهادینه سازی صلح
19.....	فصل دوم - تاریخچه نهادینه سازی صلح به عنوان سیاست حفظ امنیت بین المللی
19.....	گفتار اول - نیل به صلح سازی توسط قدرتهای بزرگ در اواخر قرن 18 و قرن 19
20.....	مبحث اول - تشکیل کنسرت اروپا
21.....	مبحث دوم - تشکیل کنفرانس های بین المللی به منظور حفظ صلح
22.....	مبحث سوم - نحوه تشکیل و نقش لاهه
24.....	مبحث چهارم - نتایج اجلاس لاهه
25.....	گفتار دوم - نیل به صلح سازی توسط سازمان ملل در قرن بیستم
27.....	مبحث اول - سیاست نهادینه سازی صلح و دیپلماسی پیشگیری سازمان ملل متحد
29.....	مبحث دوم - اقدامات ملل متحد در راستای اجرای سیاست نهادینه سازی صلح
29.....	بند 1: خاورمیانه
31.....	بند 2: کنگو
32.....	بند 3: قبرس
32.....	گفتار سوم - نهادینه سازی صلح پس از مناقشه در اواخر قرن 20 و قرن 21
36.....	بخش دوم : نهادینه سازی صلح روشها و چالشها
39.....	فصل اول - روشهای نیل به نهادینه سازی صلح
40.....	گفتار اول - روشهای عملیاتی

43.....	مبحث اول - اعمال تحریم ها علیه طرفین متخاصم
43.....	بند اول - تحریم تسلیحاتی
46.....	بند دوم - تحریم اقتصادی
47.....	مبحث دوم - اقدام نظامی
49.....	بند 1: اعاده حاکمیت کویت پس از حمله به عراق
50.....	بند 2: بازگرداندن دولت منتخب مردم در هائیتی
50.....	بند 3: مساعدت به حمایت از غیرنظامیان در معرض خطر در رواندا
51.....	مبحث سوم - استقرار نیروهای حافظ صلح
56.....	مبحث چهارم - همکاری سازمان ملل با دیگر سازمانهای صلح و امنیت
58.....	مبحث پنجم - مدت زمان انجام یک عملیات صلح
60.....	گفتار دوم - روشها ساختاری
63.....	مبحث اول - خلع سلاح
65.....	مبحث دوم - برقراری دوباره خدمات اساسی و دولتی
65.....	بند 1 - قانون و نظم
66.....	بند 2 - امنیت اجتماعی
66.....	بند 3 - اقدام دسته جمعی
67.....	مبحث سوم - کمک به برگزاری انتخابات
67.....	بند 1 - ایجاد بخش هماهنگ کننده کمک های انتخاباتی
68.....	مبحث چهارم - ایجاد توسعه
69.....	مبحث پنجم - اسکان مجدد پناهندگان
69.....	مبحث ششم - پیشگیری از بازگشت به مناقشه
76.....	بند 1 - دیپلماسی پیشگیرانه
79.....	بند 2 - به سوی فرهنگ پیشگیری از مناقشه
82.....	فصل دوم - چالشهای صلح سازی
83.....	گفتار اول - عدم همکاری طرفین متخاصم
84.....	گفتار دوم - تعقیب منافع ملی نیروهای حافظ صلح ملل متحد
84.....	گفتار سوم - یافتن گروههای سرباز حافظ صلح ملل متحد
85.....	مبحث اول - تأمین نفرات حفظ صلح

86.....	گفتار چهارم - تامین هزینه های حفظ صلح.....
87.....	مبحث اول - نحوه محاسبه و پرداخت حقوق و مزایای حافظان صلح.....
87.....	گفتار پنجم - بهره کشی و سوءاستفاده جنسی بوسیله حافظان صلح ملل متحد.....
90.....	گفتار ششم - ابتلای نیروهای حافظ صلح به بیماری های مسری محلی.....
91.....	گفتار هفتم - مبارزه با قاچاق انسان.....
93.....	بخش سوم : نقش و عملکرد سازمان های بین المللی در برقراری صلح
96.....	فصل اول - سازمانهای بین المللی و نقش آن در برقراری صلح تا جنگ جهانی دوم.....
103.....	فصل دوم - سازمان ملل و نقش آن در برقراری صلح بعد از جنگ جهانی دوم.....
105.....	گفتار اول - نقش ارگان های سازمان ملل در برقراری صلح.....
105.....	مبحث اول - مجمع عمومی.....
105.....	بند 1- نقش مجمع عمومی در پیشگیری از بازگشت به مناقشات مسلحانه.....
105.....	الف. پایگاه قانونی مجمع.....
106.....	ب. ساز و کارهایی برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف ها.....
107.....	ج. اعلامیه ها، هنجارها و برنامه ها و ایجاد اراده سیاسی برای پیشگیری.....
108.....	د. وظایف مشورتی.....
108.....	هـ. - تعامل بین مجمع عمومی و شورای امنیت درباره پیشگیری.....
109.....	بند 2- نقش مجمع عمومی در تقویت و حفظ صلح.....
111.....	بند 3- نقش مجمع عمومی در خلع سلاح.....
112.....	مبحث دوم - شورای امنیت.....
116.....	بند 1 - دیپلماسی پیشگیرانه شورای امنیت.....
118.....	بند 2 - موانع توسعه دیپلماسی پیشگیرانه.....
121.....	بند 3 - سازوکار عملی دیپلماسی پیشگیرانه شورای امنیت.....
132.....	بند 4 - تغییر ساختار شورای امنیت، سازوکار تسهیل دستیابی به صلح.....
134.....	مبحث سوم - کمیسیون برقراری صلح.....
135.....	بند 1 - ضرورت ایجاد نهادی جدید به نام کمیسیون حفظ صلح.....
136.....	بند 2 - جایگاه قانونی کمیسیون حفظ صلح و وظایف آن.....
140.....	بند 3 - ترکیب اعضای کمیسیون حفظ صلح.....
141.....	بند 4 - اداره حمایت از ایجاد صلح.....

142.....	بند 5- ساختار کمیته سازمانی کمیسیون ایجاد صلح
143.....	بند 6- کارکردهای کمیسیون ایجاد صلح
144.....	بند 7- نشست‌های ویژه کمیته کمیسیون ایجاد صلح
145.....	بند 8- راهبرد های نهادینه سازی صلح
149.....	بند 9- رابطه مفهوم واقعی و اساسی نهادینه‌سازی صلح با اثر عملی آن
152.....	مبحث چهارم - دیوان بین المللی دادگستری
152.....	بند 1- صلاحیت قضایی الزامی دیوان
153.....	بند 2- صلاحیت مشورتی دیوان
154.....	مبحث پنجم - دبیرخانه
157.....	بند 1- هیات های حقیقت یاب
157.....	بند 2- هیات های اعتمادساز
158.....	بند 3- حضور منطقه ای
160.....	نتیجه گیری
164.....	منابع و مأخذ

مقدمه

با پایان جنگ جهانی دوم، پیروزمندان این جنگ که جهان را به خاطر تلاشهایشان برای نجات از چنگال نازیسم و فاشیسم، مدیون خود می‌انگاشتند سازمان ملل متحد را با هدف حفظ و پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی در سایه همکاری‌های نهادینه خود تأسیس کردند شعار آنها برتری صلح بر عدالت بود. و چون براساس رهیافت قدرت، تصمیم‌گیری‌های لازم برای پی‌ریزی ساختار نظام آینده بین‌المللی صورت می‌گرفت، از این آزادی عمل برخوردار بودند که ساختار مورد نظر را به گونه‌ای طراحی و شکل بندی کنند که حافظ منافع آنها باشد.¹

این رویکرد سبب شد که در توزیع جهانی قدرت تنها بازیگرانی عهده دار نقش اصلی شوند که در آن زمان بالاترین توان نظامی، سیاسی و سپس اقتصادی را برای راهبری نظام جدید بین‌المللی پس از جهانی دوم دارا بودند. لذا مسئولیت اصلی حفظ صلح به شورای امنیت سازمان ملل سپرده شد. سازمان ملل، سازمان فاتحان جنگ جهانی دوم است، لذا بحث تغییر در منشور آن همواره کم و بیش وجود داشته است اما از دهه هشتاد میلادی بحثها جدی تر و پس از فروپاشی اتحاد شوروی در اوایل دهه نود ابعاد گسترده تری به خود گرفت.²

ایالت‌های تجزیه شده در اینکه بتوانند از طریق آزادی سیاسی و اقتصادی رقابت‌های اجتماعی را معرفی و توجیه کنند معمولاً خیلی ضعیف هستند.³ نه تنها به این خاطر که تاریخ جدیدی از جنگ و خشونت را دارند بلکه معمولاً علت آن فقدان یک مؤسسه صلح جویانه است که بتواند اختلافات داخلی را

1. سید داوود آقایی، شرایط نوین بین‌المللی و ضرورت تحول جدید ساختاری در سازمان ملل متحد، همشهری دیپلماتیک، 1383/10/12، ص 8.

2. مرتضی نجفی اسفاد، جهانی امن تر مسئولیت مشترک، همشهری دیپلماتیک، 1383/10/12، ص 3.

3. Roland Paris., *Peacebuilding and the Limits of Liberal Internationalism*, International Security, ۲۰۰۲, p۱.

حل کند در این شرایط هر تلاشی که این ایالت‌های مجزا را بطرف یک دوران آزادی برد باعث ازدیاد اختلافات می‌شود.¹

با توجه به تفاوت دیدگاهها درباره سازمان ملل می‌توان گفت که در سایه تحولات عمیق و بنیادین ظهور یافته در عرصه روابط بین‌المللی که ناشی از رشد و گسترش فن‌آوریهای ارتباطی، حمل و نقل، انقلاب در عرصه تکنولوژی اطلاعاتی، انفورماتیک و هسته‌ای است، نظام بین‌المللی از حالت دولت محور خارج شده است؛² به همین دلیل نیز باید گفت در صورت بروز اختلاف منجر به اغتشاش دامنه‌ای محدود داخلی یا بین دو کشور را نداشته و بر همین مبنا جامعه بین‌المللی بر خود فرض دانسته که در اینگونه موارد وارد عمل گردد پس از پایان دبیر کلی خاویر پیرز دکوئیار³، همزمان با شروع به کار پطروس غالی⁴ (ژانویه 1992) به عنوان دبیر کل سازمان ملل، شورای امنیت برای اولین بار در تاریخ خود در سطح سران کشورهای عضو شورای امنیت تشکیل جلسه داد و بیانیه‌ای منتشر کرد که نوعی تأکید مجدد بر چگونگی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بود. بیانیه‌ای که تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی را در زمره تهدیدهای جدی قلمداد می‌کرد و بحث‌های توسعه‌ای و تهدیدهای غیرنظامی صلح و امنیت بین‌المللی را کمتر مورد توجه قرار می‌داد. پس از این نشست پطرس غالی در گزارش موسوم به «دستور کاری برای صلح»⁵ سعی کرد در چارچوب منشور سازمان ملل اصول و قواعد «دیپلماسی پیش‌گیرانه»⁶ را برای «صلح سازمان» و «حفظ صلح» ارائه کند.

گزارش پطرس غالی دو جنبه مهم داشت 1- حفظ صلح از برقراری صلح ارزان تر و راحت تر است
2- در چارچوب منشور سازمان ملل میتوان از تبدیل شدن اختلافات به درگیریهای مسلحانه جلوگیری کرد

1. Ibid p1

2. سید داوود آقایی، همان، ص 9

3. Javier Perez De Cuellar, (1982-1991)

4. Boutros Ghali (1992-2001)

5. Boutros Ghali, *an Ageudu for peace*, United Nations Department of Public Information, DPI/۱۲۴۷
۲۲۴۹۸, June ۱۹۹۲

6. Preventive Diplomacy

از آنجائیکه در روابط بین الملل به کرات دیده شده است که طرفین درگیر مناقشه پس از برقراری موقت آتش بس مجدداً به وضعیت درگیری بازمی گردند و چون ریشه های اختلاف فی ما بین که منجر به بروز درگیری شده است هنوز حل نشده و باقی است لذا روابط، نیازمند بازسازی و اصلاح توسط یک نهاد بیطرف می باشد عملیات نهاییه سازی صلح سازمان ملل، ابزاری حیاتی برای پیشبرد صلح و امنیت در اختیار جامعه بین المللی هستند. در همین راستا سازمان ملل متحد با ایجاد نهادی به منظور حفظ صلح و توانمند سازی آن تلاش نموده است از صلح بین المللی پاسداری نماید¹

در سال 2005 دبیر کل سازمان ملل در گزارشی تحت عنوان «آزادی بزرگتر: به سوی توسعه، امنیت، و حقوق بشر برای همه» به کشورهای عضو پیشنهاد نمود که کمیسیون برقراری صلح و همچنین دفتر حمایت از برقراری صلح در داخل دبیرخانه سازمان ملل ایجاد کنند.

در نشست 2005 مجمع عمومی درباره اصلاحات در ساختار نظام ملل متحد، تصمیم به ایجاد کمیسیون برقراری صلح به عنوان یک رکن مشورتی میان دولتی گرفته شد.

نهادینه سازی صلح بین المللی می تواند یک جنبه عمده جلوگیری از جنگ داخلی باشد اگرچه استراتژی نهادینه سازی صلح باید طوری طراحی شود که جنگ بخصوصی را در نظر بگیرد ولی پارامتر اصلی آن در مورد هر جنگی می بایستی صادق باشد. استراتژی باید ریشه تجلی آن برخورد را هدف گیری نماید و روشن کند چگونه باید با آن مواجه شد همینطور از نظر بین المللی کمک به حفظ صلح پایدار نماید.²

از جمله عملیاتی اقداماتی که این کمیسیون انجام می دهد می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف. گردآوری کلیه نقش آفرینان مربوطه برای جذب منابع و ارائه مشورت و خط مشی برای بهبودی و دوران ایجاد صلح بعد از درگیری.

1. سازمان ملل، «حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد»، ترجمه علی ایثاری کسمایی، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران 1384 ص 97.

1. Michael, W. Doyle, Nicholas, Sambanis, International Peacebuilding :A Theoretical and Quantitative Analysis, American Political Science Review, vol 94, no.4, December 2006

ب. تمرکز بر توجه به تلاش های بازسازی و نهادسازی مورد نیاز برای بهبودی بعد از درگیری و حمایت از خطمشی های عمرانی برای ایجاد سنگ بنای توسعه پایدار.

ج. آرایه توصیه ها، اطلاعات برای بهبود هماهنگی هم درون و هم خارج از سازمان ملل برای گسترش بهترین عملکردها، کمک به تضمین آرایه بودجه قابل پیش بینی برای بهبودی اولیه و افزایش دوره توجه به وسیله جامعه بین المللی به دوران بهبودی بعد از درگیری.¹

در این پایان نامه تلاش شده است به مسائل ذیل پرداخته شود :

آیا وجود نهاد بین المللی برای صلح سازی لازم است؟ دلایل ضرورت وجود ساختار جدید به منظور

حفظ صلح چیست؟

چه راهکار هایی برای نهادینه سازی صلح وجود دارد؟ و موانع موجود در این مسیر چیست؟

با نگاهی به تحولات بنیادین در عرصه بین المللی آیا این عملکرد سازمان ملل گامی مؤثر بسوی حفظ

صلح پایدار خواهد بود؟

ساختار کمیسیون برقراری صلح چیست؟ از نظر حقوق سازمانهای بین المللی کمیسیون مزبور

چگونه عمل می کند؟

نخست با نگاهی به مفهوم و تاریخچه صلح به بررسی نهادینه سازی صلح به عنوان سیاست امنیت

بین المللی پرداخته شده و تلاش گردیده ضرورت و لزوم ایجاد نهادهای بین المللی جهت ممانعت از بروز

جنگ و اغتشاش و همچنین نحوه صلح سازی در جامعه جهانی بررسی شود و همچنین به رویکرد

جامعه بین الملل در سه دوره قرن 18-19، قرن 20 و قرن 21 در زمینه نهادینه سازی صلح پرداخته می

شود. لذا ضرورت و لزوم وجود ساختار جدید تبیین می گردد.

در بخش بعد به لحاظ تئوریک به روش های نیل به صلح سازی در دو فصل روشهای عملیاتی و

روش های ساختاری پرداخته شده روشهای عملیاتی اقداماتی را در بر می گیرد که بدواً به منظور تحدید

2.Resolution adopted by the General Assembly , 2005 World Summit Outcome, A/RES/60/1p 97

. Website:www.un.org

و اطفای آتش مناقشه انجام می‌پذیرد و شامل اعمال تحریم، اقدامات نظامی، و استقرار نیروهای حافظ صلح است. روش های ساختاری گام بعدی است که اقداماتی از قبیل خلع سلاح برقراری دوباره خدمات اساسی و دولتی اسکان مجدد پناهندگان آواره و در گام بعدی ایجاد توسعه را شامل می شود.

سپس به موانع و چالش های پیش روی نهادینه سازی صلح پرداخته شده است که می توان از آن جمله به تعقیب منافع ملی توسط نیروهای حافظ صلح، یافتن نیروهای سرباز برای حفظ صلح و تامین منابع مالی مربوط اشاره نمود مضافا تلاش شده به راهکارهایی جهت حل این معضلات پرداخته شود.

پس از ملاحظه تئوریک به بررسی ساختاری سازمانهای بین المللی که در رابطه با صلح سازی فعالیت می نمایند پرداخته شده اقداماتی که این ارگانها برای استقرار صلح انجام داده اند تحلیل می گردد، از جمله نقش ارگان هایی مانند مجمع عمومی، شورای امنیت، کمیسیون برقراری صلح، دیوان بین المللی دادگستری، شورای اقتصادی و اجتماعی و دبیرخانه در نهادینه سازی صلح بین الملل پرداخته شده است. در بخش آخر به این سوال پاسخ داده می شود که سازمان های بین المللی چه اقداماتی برای نهادینه سازی صلح انجام داده اند و آیا این اقدامات جامعه بین المللی را به سوی برقراری صلح جهانی سوق داده است؟

در نهایت این فرضیه اثبات می شود که کمیسیون برقراری صلح بصورت یک نظام هشدار سریع برای مناطق مناقشه انگیز جهان عمل و در صورت ضرورت زمینه را برای مداخله تا برقراری صلح پایدار فراهم کرده است.

بخش اول

کلیات

بخش اول : کلیات

فصل اول - تعاریف

گفتار اول - نگاهی به تاریخچه مفهوم صلح

صلح در سنت یونانی رومی، به عنوان انقطاع در وضعیتی تلقی می‌شود که در آن منازعه و جنگ برقرار است. این در حالی است که وضعیت جنگ و منازعه¹، وضعیت طبیعی در عالم و یا دست کم وضعیت طبیعی در رابطه میان انسانها به حساب می‌آید. تعبیر (جنگ پدر همه چیز است) که از هراکلیتوس نقل شده، بازگو کننده چنین برداشتی از جنگ به منزله یک مفهوم دارای ارزشگذاری مثبت است. بنابراین، مفهوم صلح² به عنوان یک مفهوم اضافی (نسبی و سلبی³) در مقابل جنگ مطرح می‌شود. نفس روی آوردن به چنین برداشتی از صلح و بویژه تقدیس آن حاکی از تفاوتی است که در ارزشگذاری نسبت به جنگ پدید آمده است⁴.

(صلح، تنها به معنی نبود جنگ نیست بلکه به معنای آرامشی است که در سایه حفظ حقوق و کرامت انسانی بدست می‌آید.) این بخشی از پیام شیرین عبادی، حقوقدان و برنده جایزه صلح نوبل است که به مناسبت برگزاری همایش زن و صلح خوانده شد. او در این پیام، درباره مفهوم صلح می‌گوید: (تعریف صلح به معنای نبود جنگ مربوط به قرن های گذشته است و اکنون در قرن 21 صلح باید به گونه دیگری تعریف شود.) به عقیده وی (صلح به معنای آرامش است و انسان زمانی در آرامش بسر می برد که حقوق انسانی او تضییع نشده و کرامت انسانی اش حفظ شود چرا که انسان محروم از تحصیل به دلیل فقر، انسانی که بخاطر بیان عقیده به زندان افتاده و مجازات و اعلام می‌شود، انسانی که بدون سرپناه

1 . Polemos

2 . Eirene

3. Contrare - relative

4 . محمدرضا بهشتی، صلح و حقیقت در گفتگوی ادیان، تهران، پایگاه دانش پژوهش و نشر بین الملل، 85/9/11، ص 1.

در خیابان زندگی می کند، در آرامش و صلح زندگی نمی کند.) عبادی دو شرط اساسی برای پایداری صلح در جامعه را دموکراسی و عدالت اجتماعی بیان می کند.¹

واژه صلح² در زبان لاتین دارای معنای مشابهی است، هر چند در آن بار حقوقی و اجتماعی بیشتری نهفته است. اصطلاح حقوقی (صلح رومی³) بیانگر نوع رابطه اجتماعی میان آحاد جامعه شهروندی رومی با یکدیگر و همچنین با سایر افراد و اقوامی است که با امپراتوری روم در حالت صلح به سر می برند و مبنای حقوق مدنی روم به حساب می آید. همین دریافت از صلح است که خود را در حالاخای (شرعیات) آیین یهود، شرع کلیسای مسیحی به صورت صلح مسیحی و در فقه اسلامی (دارالاسلام و دارالحرب) نمایان می سازد. در هر سه این برداشتها، که در گفتگوی ما نقش تعیین کننده تری دارند، با صلحی روبرو هستیم که در وهله نخست شامل کسانی می شود که (در چارچوب عهد خدا با بنی اسرائیل، ورود به کلیسا به عنوان جمع دینداران و یا امت اسلامی) به عضویت جامعه ناجیه دینی درآمده اند. از آنجا که نجات حقیقی تنها شامل کسانی است که عضو این جامعه اند (برداشتی که مثلاً در الهیات مسیحی در قالب اصل: بیرون کلیسا هیچ نجاتی نیست⁴ به بیان در می آید، صلح حقیقی نیز میان آحاد چنین جامعه ایست و اگر در قبال دیگران نیز مطرح می شود در چارچوب حقوقی تنگتری معنا پیدا می کند.

در جریان تحولات ژرف عصر جدید با گرایش به جانب سکولاریزه شدن و سیاسی شدن فزاینده مفهوم صلح روبرو می شویم که با گره خوردن با اومانیسم و تحمل⁵ مبنای مباحثات دوران جدید در

1. شیرین عبادی، صلح و توسعه حق ماست، روزنامه سرمایه، 18/10/85، ص 1.

2. Pax

3. Pax romana

4. Extra ecclesiam nulla sallus

5. Tolerance

زمینه صلح و بویژه صلح پایدار¹ به عنوان ایده آل عقل عملی را فراهم آورد، اما به لحاظ مفهومی پای از دایره حقوقی و اخلاقی مورد اشاره در فوق فراتر نهد.

شرایط دگرگون شونده سده گذشته با دو جنگ جهانی و سپس دوران جنگ سرد و مسابقه ترس برانگیز تسلیحات اتمی، ناکافی بودن کوششها برای رسیدن به یک تلقی روشن از صلح و تلاشها برای ایجاد نهادهای لازم و کارآمد برای دستیابی به تحقق عملی آن را بیش از پیش نمایان ساخته است. سالهای نخست سده، بلکه هزاره جدید نیز با رخدادهایی آغاز شده، که لزوم پرداختن ژرفتر به مفهوم صلح را بار دیگر به عنوان تکلیفی ضروری گوشزد می نماید².

گفتار دوم - مفهوم صلح

از جمله پرسشهای پیچیده‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که آیا اساساً می توان از چنین مفهومی تعریفی محتوایی ارائه کرد و یا در این مسیر جز با ناکامی روبرو خواهیم شد و بهتر آن است که صرفاً به تعریفهای صوری بسنده کنیم. در مقابل، این پرسش نیز، جدی است که بر پایه یک تعریف صوری محض بنگریم که تا چه اندازه می توان میان صلح به عنوان یک امر قراردادی صرف تأمین کننده منافع دگرگون شونده جوامع و مفهومی که در بن فرهنگها ریشه داشته باشد و تابع شرایط مکانی و زمانی خاص نباشد و در نتیجه امید به پایداری بیشتری را در ما برانگیزد، پیوند برقرار کرد؟

به لحاظ محتوایی نیز با تمایز میان مفهوم دینی صلح، مفهوم اخلاقی - عملی از صلح و مفهوم صلح جهانی (به معنای کیهانی آن) که از دیرباز صورت گرفته است با گرایشهای متفاوتی در تلقی از معانی آن روبرو هستیم که نشان می دهد رسیدن به محتوای روشنی از این مفهوم که دارای اعتبار و مقبولیتی همگانی یا دست کم گسترده تری باشد چندان دورنمای امیدبخش تری را پیش چشم ما نمی گشاید.

1 . Paix perpetuelle

2 . اسماعیل گندمکار، ، نگاهی به تاریخچه مفهوم صلح، نشر فرهنگی سیاسی، 85/8/18، ص 20

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان تعاریفی را که تاکنون از مفهوم صلح به عمل آمده به دو دسته بزرگ تعاریف سلبی و تعاریف ایجابی تقسیم کرد. در تعاریف سلبی کوشش بر این است که از طریق مفاهیم مخالف صلح به نوعی دریافت روشنی از خود این مفهوم دست یابیم. شاید بتوان، با حذف ظرایفی که در هریک از این تعریفها مدنظر قرار گرفته است، ماحصل این کوششها را در تعریف سلبی صلح به عنوان «غیاب هرگونه اعمال زور، بویژه اعمال زور نظامی در شکل فردی و جمعی‌اش» خلاصه کرد. در مقابل، در تعاریف ایجابی می‌کوشند تا به نحو مثبتی عناصر بر سازنده مفهوم صلح را باز یابی و بیان کنند. به همان نسبت که رسیدن به یک جمع‌بندی در مورد مؤلفه‌های سازنده مفهوم صلح دشوار است، دستیابی به تلخیصی از این تعاریف که بتواند، ولو به اجمال این تعاریف را پوشش بدهد کار آسانی نیست. با این حال، شاید بتوان ماحصل این تعاریف را در تعبیر صلح به عنوان «انضمام¹ طرف و گروههای منازع در یک نظام برتر مبتنی بر عدالت» جمع‌بندی کرد.²

از طرف دیگر به دلیل دیدگاه‌های مختلفی که در ارتباط به مفهوم صلح وجود دارد و بر اساس برداشت‌های مزبور، محدوده‌ای مفهومی آن نیز تفاوت پیدا می‌کند. مثلاً همانطور که در گفتار اول گفته شد، در یکی از برداشت‌ها، صلح به معنای فقدان جنگ است.³ در این دیدگاه مفهوم صلح محدوده‌ای بسیار کوچکی را در بر می‌گیرد و همین که مناقشات نظامی و خصومت‌های مسلحانه وجود نداشته باشد، صلح را تحقق یافته می‌پندارند. دیدگاه دیگر، صلح را به منزله فقدان خشونت ساختاری تعریف می‌کند و بر ترویج فرهنگ صلح و به کار گیری سازوکارهایی است که در کاهش منازعات سیاسی، اجتماعی و سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی موثر افتد.

1 . Integration

2 . همان، ص 21.

3 . A liseutia hellic

این برداشت از دهه هشتاد به بعد در ادبیات بین‌المللی راه یافت و یونسکو در اواخر دهه 80 اقدامات و ابتکارات جدیدی را به هدف ارتقای فرهنگ صلح به کار بست، کنگره بین‌المللی صلح در جولای 1989 در ساحل عاج برگزار شد و رویکرد جدیدی از صلح ارائه داد. این رویکرد در اجلاس السالوادور 1993 یونسکو عمق و گسترش پیدا کرد و محورهای فرهنگ صلح به صورت مشخص تعیین گردید.

ارتقای آموزش و عمل به فرهنگ صلح، تقویت ساختار دموکراسی، گسترش ارتباطات و مبادلات فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی، تقویت همکاری‌های بین‌المللی، ارتقای حقوق بشر، پلورالیسم فرهنگی و گفت‌وگو بین‌تمدن‌ها برای پیشگیری از منازعات و صلح‌سازی بعد از منازعه، موضوعاتی‌اند که به عنوان محورهای فرهنگ صلح در اجلاس 1993 و 1995 یونسکو مطرح و مورد تأکید قرار گرفت.¹

گفتار سوم - صلح جهانی

مبحث اول - صلح جهانی در روابط بین‌الملل

در تحقیقات مربوط به روابط بین‌الملل، تئوریهای مختلفی وجود دارد و در واقع تلاش می‌شود که مقوله ای نظیر صلح را نیز در چارچوب این تئوریها درک کرد. در این جا فقط نگاهی گذرا به این تئوریها داریم هر چند برای فهم بهتر و بیشتر نیاز به تحقیق گسترده در این خصوص است.

تئوری واقع‌گرا² دولتها را بازیگران اصلی می‌داند، برای این بازیگران یک شخصیت مستقل و منطقی قائل است و بر این باور است که رفتار آنان به واسطه ساختار آنارشی بین‌المللی حاکم تعیین می‌شود. این اندیشه بر این باور است که سیاست عبارت از مبارزه برای قدرت بین دولتها برای نیل به اهداف ملی خود است. دیپلماسی در این تعریف یعنی نیل به اهداف یک کشور، اما در این تئوری ابزار کلیدی

1 حفیظ ا... زکی ، توسعه و حقوق بشر، مجله عدالت، 1385 در آدرس ذیل قابل رویت است

www.moj.gov.af/dariledalat-49-4.html